

اریک دین بازیگر سریال «آناتومی گری» درگذشت

مهر: اریک دین که بازیگر نقش دکتر مارک اسلون در سریال «آناتومی گری» بود و نقش پدر کال جیکوبز را در سریال «سرخوشی» ایفا کرد، از دنیا رفت. سال پیش اعلام شد که وی به بیماری اسکروز مبتلاست. به گفته خانواده‌اش او در طول مبارزه با بیماری ALS، به مدافع پرشور آگاهی و تحقیق تبدیل شد و مصمم بود برای دیگران که با همین مبارزه روبه‌رو هستند، تغییری ایجاد کند. دین که سال ۱۹۷۲ در سانفرانسیسکو متولد شد، پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان، برای ادامه بازیگری به لس‌آنجلس نقل مکان کرد و در دهه ۹۰ با ایفای نقش‌های کوتاه در سریال‌های تلویزیونی «نجات‌یافته توسط زنگ»، «سال‌های شکست‌انگیز»، «رزان» و «متاهل… با فرزندان» بازی کرد و سپس در سال ۲۰۰۰ نقش دکتر وایات کوپر را در سریال «گذرگاه کیدئون» بازی کرد. در همان سال، او اولین حضور سینمایی خود را در فیلم «سید» به کارگردانی ریچ کوان تجربه کرد. او در فیلم‌های دیگری از جمله «زویی»، «دانکن»، «جک و جین»، «سول گود»، «صیافت»، «مردان ایکس: آخرین ایستادگی» و «مارلی و من» نیز بازی کرد. او همچنین در «آب‌های آزاد ۴» نقشی اصلی داشت و به مدت دو فصل در سریال «افسون‌شده» شبکه WB نقش جیسون دین را بازی کرد. در سال ۲۰۰۵ او برای اولین بار به عنوان میهمان در نقش دکتر مارک اسلون در قسمتی از فصل دوم سریال «آناتومی گری» ظاهر شد. شخصیت او چنان با استقبال روبه‌رو شد که در فصل بعد به یکی از بازیگران ثابت تبدیل شد و تا زمانی که در فصل هشتم از سریال حذف شد، به همین شکل باقی ماند. با وجود این، او همچنان در دو قسمت از فصل نهم ظاهر شد و ۱۹ سال بعد، در قسمت «نفس بکش» از فصل هفدهم، بار دیگر نقش این شخصیت را بازی کرد. در طول دهه ۲۰۱۰، او در فیلم تلویزیونی «جنگ‌های عروسی» از شبکه A&E و کمدی رمانتیک «روز ولنتین» در سینما ظاهر شد. او یکی از بازیگران اصلی سریال «آخرین کشتی» ساخته مایکل بی بود که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ از شبکه TNT پخش می‌شد. در سال ۲۰۱۹، او بازی در نقش کال جیکوبز را در سریال «سرخوشی» شبکه HBO آغاز کرد و در ۱۲ قسمت از دو فصل اول این سریال حضور داشت. او این نقش را برای فصل سوم این سریال که در ماه آوریل پخش خواهد شد، تکرار کرد. آخرین بازی‌های دین در دوران حرفه‌ای‌اش شامل نقش‌هایی در فیلم‌های «خط مرزی»، «به سوی زیبایی» و «اسرار خانوادگی» و سریال‌های تلویزیونی «بی‌سیم»، «شمارش معکوس» و «کابل» می‌شود. از او دو خنتر به یادگار مانده است.

یادداشت

آینه‌ای در عمار

وقتی «مردم» به‌عنوان یک آبرِ جمعی ظهور می‌کنند، مرزهای طبقاتی و قووسی به نفع خیر عمومی بزرگ‌تر، رنگ می‌بازد و جامعه وارد یک شرایط خاص می‌شود. در مقابل این موضوع، یکی از جامعه‌شناسان به خطر «بحران گفتمان» اشاره و تأکید می‌کند: فقدان افق آینده، جامعه را دچار «اکنون‌زدگی اضطراری» می‌کند؛ وضعیتی که در آن اعتماد اجتماعی فرسایش یافته و جامعه در وضعیت «نومی پایدار»، قرار می‌گیرد.

در این شرایط، نقش رسانه حیاتی است؛ رسانه می‌تواند با دامن‌زدن به قطبی‌سازی به این آتومی کمک کند، یا با برجسته‌کردن ارزش‌های مشترک، صدای مردم باشد و پلی برای التیام بسازد. تجربه‌های جهانی نشان داد که رسانه‌های اخلاق‌مدار، در بزرگ‌هایه‌اش دشوار با تمرکز بر ارزش‌های مشترک انسانی، مانع تشدید بحران شدند.

رویکرد روان‌شناختی

روان‌شناسی سوگ جمعی به ما می‌آموزد که وقتی فاجعه‌ای در مقیاس ملی رخ می‌دهد، «غم»، دیگر شخصی نیست. کشته‌شدن شمار زیادی از مردم، احساس ناامنی و اندوه گسترده‌ای را در قشرهای مختلف جامعه پراکنده کرده است. برخی از سوگ «نامام» به سوگ جمعی سلب‌شده و برخی دیگر از «سوگ اعتراضی» سخن می‌گویند. این نوع سوگ که در سال‌های اخیر رواج یافته، در لایه‌های زیرین جامعه به خشم مزمن تبدیل شده و ترومای بین‌نسلی ایجاد می‌کند؛ ترومایی که در حافظه تاریخی ایرانیان ثبت شده و روابط اجتماعی و اعتماد را تخریب می‌کند. سوگ جمعی در ایران امروز صرفاً واکنش به مرگ فیزیکی نیست، بلکه با «بحران معناه» و اضطراب نسبت به آینده گره خورده است؛ به‌خصوص در جامعه‌ای که با انباشت فشرده‌ای برای عمق همدلی و فرسایش امید روبه‌روست و تاب‌آوری کمتری دارد. رسانه با رسمیت‌دادن به سوگ آسیب‌دیدگان، می‌تواند «ذهن زخمی و تحریک‌پذیر» را ترمیم و فضایی امن برای «نام‌گذاری درد» و آغاز فرایند التیام فراهم کند. نادیده‌گرفتن رنج، هزینه سنگینی در تولید دانش و سرمایه اجتماعی دارد.

رویکرد فلسفی

در روزنامه‌نگاری، حقیقت نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه یک وظیفه وجودی است. از منظر فلسفی، سکوت در شرایط بحرانی، معادل فعل نادرست است. «ترس از فقر آینده»، بنیاد وجدان انسانی را فلج کرده و فرد را به انباشت غیراخلاقی وادار کند. روزنامه‌نگار کسی است که حقیقت را در برابر قدرت می‌گوید. میان «نیاز حیاتی» دیگران و «آسایش روانی» ما، اولویت با نیاز حیاتی است. در روزهای بحران، ارزش جان یک انسان در دورتین نقطه ایران، برابر با ابراطیان ماست و دیگر جغرافیا، معیار تعیین‌کننده‌ای برای عمق همدلی نیست.

یکی از فیلسوفان، مفهوم «میهمان‌نوازی زبانی» را برای اخلاق روایت پیشنهاد می‌دهد؛ یعنی زبان رسانه باید فضایی باشد که در آن روایت «دیگری» (حتی اگر مخالف باشد) میهمان شود. رسانه با هدف «زندگی خوب با و برای دیگران» باید به‌مثابه یک «نهاد عادل» عمل کند. برخی فیلسوفان بر مسئولیت بی‌قید و شرط در برابر «ریسک» تأکید دارند. در روزنامه‌نگاری بحران، مسئولیت به این معناست که چگونه در برابر چهره رنج‌یده معترض، تعهد اخلاقی دارد و فراتر از مسئولیت شغلی باید روابنگر صدای هر داغ‌دیده‌ای باشد. مدارانی که در کنار مزار فرزندان خود می‌گریند، یا در کوچه‌های خاموش شهر و روستا، عکسشان را به سینه می‌فشارند و از آرزوهای ناکام آنها می‌گویند، صاحبان اصلی روایت این روزها هستند. روزنامه‌نگاری مسئولیت‌پذیر باید این نجواها را پژواک دهد و با صداقتی آرام‌بخش، ریشه‌های درد را نشان دهد. هم‌وطنانی که امروز در سایه سکوت، غم خود را می‌پراکنند، شایسته آن هستند که داستان‌هایشان روایت شود؛ نه به‌صورت آمار سرد، بلکه به‌عنوان کسانی که عشق و امیدشان را از دست داده‌اند. این روایت‌ها اگر با لحن انسانی منعکس شود، تا حدی می‌تواند زخم‌ها را نوازش کند و بذر امید بکارد.

رسانه، پل التیام و آینه‌ای بی‌غبار

سوگ ملی در ایران، آرزوی زخم عمیقی شده که مرهم آن منتها در تصمیم‌های سیاسی، بلکه در بازتابش اعتماد عمومی نهفته است. رسانه‌ای که با شرافت قلم، مسئولانه، صادقانه و همدلانه عمل می‌کند، می‌تواند بخشی از این مرهم باشد نه نمک بر زخم. مرهمی که در این آزمون تاریخی، دقت را بر شتاب، گفت‌وگو را بر هیاهو، و امید مبتنی بر واقعیت را بر ناامیدی ترجیح داده و صدای معترضان را به نجوایی برای تغییرات مثبت تبدیل می‌کند؛ هرچند نتواند همه زخم‌ها را درمان کند، اما می‌تواند آینه‌ای باشد که جامعه در آن، نه‌تنها رنج خود، بلکه امکان فردایی روشن‌تر از نین ببیند. شایسته آن هستند که داستان‌هایشان روایت شود؛ نه به‌صورت عداالت و گسترش همدلی در بستر زمان است؛ سه رکنی که رسانه به‌عنوان یک نهاد آگاهی و ره‌یابی‌بخش، دیدبان و نگهبان اصلی آن را راوی امیدی است که از اندل دوره برمی‌خیزد و بازتاب نجوای درد خانواده‌های داغدار است.

نگاهی تحلیلی به آثار گونه ورزشی در سینمای ایران

چه تصویری از ورزش زنان در سینمای ایران ارائه می‌شود؟



از زمین تا پرده

مازایار معاونی در گفت‌وگو با «شرق»، با اشاره به تاریخ ساخت فیلم‌های ورزشی در سینمای ایران گفت: «مطابق مستندات در دسترس، ساخت فیلم‌های موسوم به «ورزشی» در تاریخ سینمای ایران به حدود شش دهه پیش بازمی‌گردد؛ در سال ۱۳۴۷ خورشیدی ساموئل خاچیکیان که از فیلم‌سازان بنام سینمای تجاری و پیشگامان ساخت آثاری با مهارت‌های تکنیکی قابل قبول در آن دوره زمانی بود، برای نخستین بار فرمول مطمئن استفاده از یک چهره ورزشی مشهور و پرطرفدار در قاب سینما را با فیلم «ببر مازندران» و با حضور «امامعلی حبیبی»، قهرمان نامدار کشتنی آزاد، به کار گرفت. حبیبی مطابق دستمه‌های داستانی محبوب آن روزهای سینمای تجاری ایران، در نقش یک قهرمان پاک‌دست کشتی ظاهر شد که زندگی‌اش با شکست مصلحتی از حریف بنا بر آموزه‌های اخلاقی، گریزافان در پاپوش رقیای بدخواه و البته ترنه و سعامتندی در انتهای داستان روایت می‌شود؛ فرمولی آشنا که پیش از حبیبی با زنده‌یاد «محمدعلی فردین» هم در قالب چند اثر سینمایی امتحان خود را پس داده بود، با این تفاوت که در آثار فردین، قهرمان الزاما با ورزش کشتی و رقابت ورزشکاران کشتی‌گیر ارتباط تنگاتنگی نداشت و در عوض از شهرت ورزشی و فیزیک مناسب این بازیگر، فقید برای جلوه‌بخشیدن به پیرسونای یک جوان لوطی مسلکِ باارام و البته توانمند از نظر بدنی استفاده شده بود».

او ادامه داد: «نکنه شایان تأمل اینجاست که بنا بر مجموعه دلایلی ازجمله آغاز توانایی موج نوی سینمای ایران و محبوبیت بسیار قهرمانان عاصی و قانون‌گریز آن و نیز هراس چهره‌های مطرح رسته‌های مختلف ورزشی از مخدوش شدن وجهه اجتماعی‌شان که عدم همکاری موبایو بهزادی با فیلم سینمایی «سر طلابی، ساخته شعاع‌الدین مصطفی‌زاده/ ۱۳۵۴» از بارزترین نمونه‌های آن است، در بازه زمانی پیش از انقلاب و به‌ویژه در دهه ۵۰، استفاده از چهره‌های ورزشی در قالب قهرمانان آثار سینمایی بُردِ چندانی پیدا نکرد و این ژانر بیشتر با آثاری همچون «عمو کبابی» ساخته سعید مطلبی/ ۱۳۵۴» و «مسافر ساخته عباس کیارستمی/ ۱۳۵۴» استمرار پیدا کرد که با نگاه‌های مختلف دراماتیک و اجتماعی، شور و شوق طرفداران جدی و حتی افراطی رسته پرطرفدار فوتبال را به‌عنوان مایه اصلی داستانی خود برگزیده بودند.

اما در تمام دوران ۴۶ساله پس از وقوع انقلاب و در میان

انبوه آثار سینمایی تولیدشده در این دوره نزدیک به نیم‌قرن، باز هم گونه ورزشی هیچ‌گاه به جایگاه یک گونه سینمایی محبوب و مقرون‌به‌صرفه از نظر تعادل میان هزینه ساخت و میزان فروش نزدیک نشده است که البته با هم سلسله دلایل مختلفی را می‌توان برای این چرایی آن اقامه کرد».

او در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به سینمای ایران در دهه ۶۰ اشاره کرد و افزود: «در اولین دهه انقلاب، یعنی دهه ۶۰ خورشیدی، انبوه آثار موسوم به انقلابی (تقابل انقلابیون با ساواک) و فیلم‌های دفاع‌مقدسی که به اقتضای حال‌وهوای آن روزها به‌اصطلاح در بورس بودند، فضای چندانیه به گونه‌هایی نظیر «گونه ورزشی» نمی‌داد تا فیلم «خط پایان» به‌عنوان اولین ساخته محمدعلی طالبی و با محوریت موضوعی تلاش‌های یک قهرمان دوچرخه‌سواری، تنها نماینده گونه ورزشی در سینمای بعد از انقلاب باشد؛ فیلمی که اگرچه اتمسفری ورزشی داشت، اما عملا در رسته آثار انقلابی و تقابل مردم عادی کوچه و بازار با عوامل دربار پهلوی رده‌بندی می‌شد». معاونی افزود: «در دهه ۷۰ نیز همچون دهه آغازین انقلاب، اگرچه از شدت و حدت سیاست قهرمان‌پردازی که ساخت آثار پرتره‌محور هم جزئی از آن بود، تا حدودی کاسته شده بود، اما کم‌اگان سایه ایدئولوژی بر تمام گونه‌های نمایشی به‌ویژه گونه ورزشی احساس می‌شد که مصادیق بارز آن دو فیلم «باس‌های وحشی» و «شیرهای جوان» هر دو از ساخته‌های محسن محسنی‌نسب هستند که قهرمانان پاک و زلال این دو فیلم در تقابل با ورزشکاران خارجی گرفتار زدوبندهای سیاسی و مافیایی پشت پرده می‌شوند. البته در اواخر این دهه، در قالب دو فیلم «فوتبالست‌ها» ساخته علی‌اکبر ثقفی و «مثلث آبی» ساخته هادی صابر، از برخی از چهره‌های مشهور رشته ورزشی فوتبال هم در ترکیب بازیگران استفاده شد که نه برای فیلم و نه برای این چهره‌ها برد چندانیه به دنبال نداشت». او در بخشیه از این گفت‌وگو، به نقش و حضور زنان در فیلم‌های ورزشی ایرانی اشاره کرد و افزود: «اما رویکرد آثار ورزشی از حدود دو دهه پیش و به تبعیت از تغییر اوضاع و احوال اجتماعی دچار تغییرات گسترده‌ای شد. فیلم اعتراضی «افساید ساخته جعفر بناهی/ ۱۳۸۵» اولین و یکی از مهم‌ترین گام‌های این تغییرات بود که ممانعت طولانی‌مدت از حضور

زنان در ورزشگاه‌ها را دستمایه قرار داده بود. به دنبال این فیلم متفاوت که برخلاف آموزه‌ها و تأکیدات ایدئولوژیک رسمی ساخته شده بود، آثار دیگری هم به تدریج از راه رسیدند که در آنها رویکردهای متفاوت و متنوع ازجمله مضامین مبتنی بر پرترنکاری و اعتراض به سیاست‌های رسمی جلوه پررنگ‌تری داشتند؛ آثاری که اگرچه تا تولید و عرضه آنها کمی بیشتر از یک دهه زمان لازم بود، ولی در مقابل در نیمه دوم دهه ۹۰ و در یک بازه زمانی کوتاه چهارساله عرضه شدند تا بنیه ضعیف گونه ورزشی در سینمای ایران کمی فربه‌تر به نظر برسد. صفر تا سحر (سحر مصیبی/ ۱۳۹۵)، عرق سرد (سپیل بیری/ ۱۳۹۶)، غلامرضا تختی (بهرام توکلی/ ۱۳۹۷)، ضربه‌فنی (غلامرضا رضایی/ ۱۳۹۷)، اورکا (سحر مصیبی/ ۱۳۹۸) و سونامی (میلاد صدرعاملی/ ۱۳۹۸) شش فیلمی بودند که در فاصله سال‌های۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ ساخته و اکران شدند. فیلم‌هایی که در میان آنها، هم پرتره‌نگاری آن‌هم با نگاهی به دور از تعصبات سیاسی و ایدئولوژیک وجود داشت («غلامرضا» تختی، «صفر تا سکو» با محوریت موضوعی زندگی ورزشی و شخصی خواهران منصوریان و «لاله» الهام‌گرفته از زندگی ورزشی یک قهرمان زن اوتومبیل‌ران، هم نگاه انتقادی به برخی از واقعیات اجتماعی ازجمله موضوع چالش‌برانگیز حجاب ورزشکاران زن ایرانی (اورکا)، مقوله اعطای اجازه حق خروج از کشور ورزشکاران زن به همسران آنها (عرق سرد)، موضوع ناهنگی برخی از ورزشکاران در قبال بازیگرهای خارجی و عدم بازگشت آنها به کشور (سونامی) که همگی در یک وجه مهم یعنی برخورداری از رویکرد تازه به مایه‌های مضمونی-داستانی آثار سینمایی ورزشی مشترک بودند. البته این موج نسبتاً بلند آثار ورزشی استمرار چندانی نداشت و از سال ۱۳۹۸ تا زمان نگارش این یادداشت در بهار ۱۴۰۴ که بازه‌ای شش‌ساله را دربر می‌گیرد، باز هم شاهد یک دوره طولانی غیبت این آثار در سینمای ایران بوده‌ایم که بدون تردید به چرایی‌های مختلف از سلبه کم‌دی‌های نازک، عدم استقبال آن‌چنانی از آثار قبلی این گونه، دشواری‌های ساخت آثاری با محوریت زنان بنا بر خطوط قرمز موجود و… برمی‌گردد که پای تهیه‌کنندگان و کارگردانان سینمای ایران باری ورود به این عرصه را تا اندازه‌های بسیاری سست کرده است».

خبر

«هادی ساعد محکم» درگذشت

«هادی ساعدمحکم» صدابردار جوان سینما بر اثر ایست قلبی درگذشت. مراسم خاکسپاری این هنرمند شنبه دوم اسفند در قطعه هنرمندان آرامستان بهشت رضوان شهریار برگزار می‌شود. خانه سینما درگذشت این هنرمند جوان را به جامعه هنری تسلیت گفته و برای خانواده و بازماندگان آن مرحوم از خداوند آرزوی صبر و آرامش دارد. او در آثاری همچون: ماجرای نیمروز، لاتاری، زخم کاری، راننده و روباه، گل‌گیران، پهلوان و خرقة، دوستان و برادران، زمانکو، فصل بادهای گرم و… به عنوان صدابردار حضور داشت.

یادداشت

روایتی جعلی برای یک «سیاست‌ارزی»

رشد چهاربرابری تقدینگی در بازه زمانی منزور درحالی‌که رشد تولید کالا و خدمات فقط ۱۵ درصد بوده، ابزار تحقق سود منزور است. رشد تقدینگی اقتصاد متناسب با «ادعای بر سود»، لازمه تحقق سودی است که پیش‌تر در قالب «ادعای بر سود» متورم شده و اکنون باید به نحوی نقد شود. در غیر این صورت قیمت حجاب‌وار دارایی‌هایی مانند املاک و مستغلات یا اوراق سهام بورسی فقط در اعدادی انتزاعی خلاصه می‌شوند که بیهوده افزایش می‌یابند، بدون اینکه نقدشدنی باشند. زمانی که رشد کالا و خدمات اقتصاد متناسب با رشد افسارگسیخته تقدینگی رخ ندهد، حاصل آن ترومی است که سودجویی بر قیمت کالا و خدمات محدود اقتصاد تحمیل می‌کند. در این فرایند متورم‌شدن ارزش اسمی اقتصاد، بی‌ارزش‌شدن رِیال باید خود را در افزایش نرخ برابری ارز (دلار به رِیال) نشان دهد؛ در غیر این صورت تحقق سود مورد ادعای صاحبان خودخوانده پتروپالاشی‌ها و معادن «تالار اول» از سایر صادرکنندگان «تالار دوم» و سفته‌بازان ارزی (مالکان ارز بازار) عقب می‌ماند. این فرایند پرهزینی (اقتصادی و سیاسی) باید در اقتصاد فرسوده و راتنی ایران به تاوَب رخ دهد تا این سود عقب‌افتاده جبران شود؛ فرایندی که در هر دور اصلاح نرخ ارز (جراحی اقتصادی) در پوشش‌هایی مانند حذف رانت واردکنندگان کالاهای اساسی یا توقف تخصیص بارانه پنهان، فشار فزاینده‌ای به مصرف‌کننده ایرانی وارد می‌آورد.

موضوع: آگهی مناقصه عمومی مربوط به خدمات حراست طرح توسعه میدان نفتی

آزادگان جنوبی فاز – ا شماره مناقصه: CCA/T/1404/25

شناسه ملی و کد اقتصادی مطابق جداول ارزیابی کیفی الزامی می باشد.
-چنانچه در مرحله ارزیابی کیفی مشخص گردید شرکت های متقاضی از مدارک جعلی یا اطلاعات خلاف واقع، تهدید، رشوه و نظایر آن برای صلاحیت خود استفاده نموده اند، مطابق قوانین و مقررات با متخلف رفتار خواهد شد.
-ارائه سوابق و مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
-حداقل امتیاز قابل قبول جهت دعوت به مناقصه ۶۰ (شصت) امتیاز می باشد.
-آدرس ایمیل کارشناسان مناقصه فوق به شرح زیر می باشد:
Fadaei.me@ppars.com
Rezaeimofrad.sh@ppars.com
-حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی جهت گشایش پاکات فنی مناقصه گران ۶۰ (شصت) امتیاز می باشد.
-شرکت های که امتیاز لازم در ارزیابی کیفی را کسب نمایند، پیشنهاد فنی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
-فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه مابقی مدارک می بایست در مدارک ارزیابی کیفی ارائه گردد و در سامانه فوق الذکر بارگزاری گردد.
-دارا بودن شخصیت حقوقی، ارائه اساسنامه، آگهی تاسیس، آگهی آخرین تغییرات و شناسه ملی و کد اقتصادی مطابق جداول ارزیابی کیفی الزامی می باشد.
-تمام صفحات مدارک ارزیابی کیفی، فنی و مالی و اسناد مناقصه باید توسط صاحب امضاء، مجاز مهر و امضاء خوانده شد و مورد قبول است درج گردیده به مناقصه گذار تسلیم گردد.
-شرکت کنندگان میبایست اسناد کیفی را در سامانه (Tender.ppars.com) بارگزاری نمایند و مشخصات ضمانت نامه بانکی نیز در سامانه فوق درج گردیده و دو پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه) و ج (پیشنهاد مالی) به صورت فیزیکی تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱ به آدرس مندرج در بند ۸ ارسال نمایند.
-تاریخ اعتبار پیشنهاد مالی می بایست ۱۲ روز از آخرین مهلت دریافت پیشنهاد معتبر باشد.
برخی نکات مهم:
-آدرس مندرج آگهی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می باشد.
-شرکت کنندگان نباید در لیست سیاه شرکت ملی نفت، شرکت پتروپارس و ... قرار داشته باشند.
-توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل فرم ها، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی باشد و ارائه مدارک ارزیابی و عدم تایید صلاحیت، هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
-شرکت پتروپارس در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است. بدیهی است حق هر گونه ادعا در این خصوص از مناقصه گران سلب می گردد.

روابط عمومی و امور بین الملل گروه پتروپارس

شرکت پتروپارس لیمیتد به عنوان پیمانکار عمومی از طرف کارفرمای اصلی شرکت مناقسه سی توسعه نفت در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای توام با ارزیابی کیفی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

لذا از کلیه موسسات متقاضی دعوت به عمل می آید در صورت تمایل به شرکت در مناقصه فوق نسبت به اعلام آمادگی و شرکت در فرایند مناقصه اقدام نمایند.
فراخوان عمومی آگهی مناقصه فوق در سه نوبت در روزهای چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹، روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ و روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳خواهد بود.

تذکر مهم: فقط موسسات که مجوز فعالیت از سازمان حراست صنعت نفت در مناقصه استان خوزستان را داشته و توانایی تأمین نفرات مورد نیاز از نیروی نظامی را دارند، مجاز به شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه مذکور خواهند شد.

- موضوع مناقصه:** خدمات حراست طرح توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی فاز-۱
- نوع مناقصه:** مناقصه عمومی یک مرحله ای
- شماره مناقصه:** CCA/T/۱۴۰۴/۲۵
- مبلغ برآورد مناقصه:** ۲۵.۶۲۵.۷۹۹.۶۲۵ ریال
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۱۵۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به صورت ضمانت نامه بانکی مورد قبول کارفرما/ قبض و ابرزی سیرده نقدی (بنا بر ابلاغ رسمی وزارت نفت ضمانت نامه بانکی صادره از بانک پاسارگاد مورد تایید نمی باشد).
- مدت انجام کار:** ۱۲ ماه شمسی

۷-**محل اجرا:** میدان نفتی طرح از آزادگان جنوبی، ۸۰ کیلومتری غرب شهر اهواز و در نزدیکی شهر سوسنگرد و در مجاورت مرز ایران و عراق با مساحتی در حدود ۴۴۰ کیلومتر مربع

۸-**نحوه ارائه اسناد ارزیابی کیفی:** موسسات نسبت به ثبت نام و بارگذاری تمامی مدارک درخواستی مطابق اسناد مناقصه تا ساعت ۱۲ ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱ در سامانه معاملات شرکت پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com اقدام گردد.

آدرس شرکت و دریافت نقطه نظرات: تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، نرسیده به میدان فرهنگ، کوچه عرفان، ساختمان عرفان، طبقه دوم، مدیریت حقوقی و قراردادها
تلفن: ۰۲۹۹۴۳۲۸-۰۲۹۹۴۳۲۷ Fadaei.me@ - Rezaeimofrad.sh@ppars.com -

۹-**تجهیز اسناد مناقصه و گشایش پاکات:** پس از بررسی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و کسب امتیاز کیفی لازم (حداقل ۶۰ نمره از ۱۰۰)، پاکات الف (تضمین شرکت در مناقصه) و ج (پیشنهاد مالی) شرکت های تایید شده در مرحله ارزیابی کیفی گشوده خواهد شد.

ا شرایط عمومی:

کلیه مدارک درخواستی در جداول ارزیابی کیفی می بایست تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۱ در سامانه مناقصات بارگذاری گردد.
- اسکن فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه مابقی مدارک می بایست در سامانه مناقصات بارگذاری گردد.
-دارا بودن شخصیت حقوقی، ارائه اساسنامه، آگهی تاسیس، آگهی آخرین تغییرات و